

Manifestations of Praise in the Architecture of Atigh Comprehensive Mosque in Shiraz

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Saeed Ghazipour¹

Mohammad Reza Shirazi^{2*}

Seyedeh Fatemeh Hosseini Mirsafi³

How to cite this article

Saeed Ghazipour, Mohammad Reza Shirazi, Seyedeh Fatemeh Hosseini Mirsafi, Manifestations of Praise in the Architecture of Atigh Comprehensive Mosque in Shiraz, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:5(4): 944-951.

1. PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Yadegar-e-Imam Khomeini(RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Yadegar-e-Imam Khomeini(RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yadegar-e-Imam Khomeini(RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: shirazi.mr@gmail.com

Article History

Received: 2021/10/09

Accepted: 2022/01/05

ABSTRACT

Purpose: In this article, a comprehensive review of the Atiq Jame Mosque in Shiraz has been done in order to recognize the manifestations of Hamad based on Iranian Islamic architectural patterns. The research questions are: What are the patterns of Iranian Islamic architecture in the Atiq Mosque of Shiraz? How was the architectural and spatial structure of the old mosque of Shiraz in different periods? How can the Old Grand Mosque of Shiraz be a manifestation of the truth of God's praise? How is the redefining of the architecture of Jame Atiq Mosque through examining the effects of Hamad Elahi?

Materials and methods: The inference process in this article consists of three stages of examining the ancient mosque of Shiraz from the historical, structural and architectural point of view, examining the compatibility of the true principles of praise with its lower levels and practical conclusions in a comprehensive view. Based on the basics of research, the data collection method is a combination of library studies and field reference.

Findings: According to the obtained results, the relationship between the effects of Hamad and the Atiq Jame Mosque of Shiraz has been explained with a spiritual approach, and the main focus is on the effect of spirituality that the designers and architects of the building, on the one hand, and the worshipers, on the other hand, put on the building, and this They make the spiritual abode a place for the ascension of eager hearts.

Conclusion: At the end, in the description of the architectural impact of the Old Grand Mosque of Shiraz, a detailed description of the revelation of divine knowledge to the heart and soul of the awakened people, and from the heart and soul to their hands, actions and faces, is given, so that it becomes clear. That what is in the world of meaning and inside souls has a form and effect in the world of matter, which are the signs and signs.

Keywords: Hamd, Atigh Mosque Of Shiraz, Iranian Islamic Architecture

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

* نویسنده مسئول: shirazi.mr@gmail.com

مقدمه

تاکنون تعریف های گوناگونی به منظور تبیین معماری ایرانی اسلامی ارائه شده است که اغلب رویکردی ظاهری و تا حدی مادی به این مقوله داشته اند و در عالی ترین نگاه معنوی به معماری ایرانی اسلامی، نهایتاً از کشف رموزها در نحوه ی بنای سقف ها، قوس ها، ستون ها تا بیان معنی رنگ، طرح، نماها و کاشی ها و... سخن به میان آمده که البته در جای خود اعجاب انگیز است و جای تقدیر دارد.

اما آنچه در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد، جلوه حمد و ثنای پروردگار در معماری ایرانی اسلامی مساجد بالخصوص معماری مسجد جامع عتیق شیراز است.

از توجه عمیق به عالم هستی، آنچه عاید انسان می گردد این است که، عالم ظاهر به گونه ای آراسته گردیده است که ظلّ عالم بالاست و اگر با نردبان معرفت طی گردد، انسان طالب را به اصل می رساند. مناسبت بین عالم ظاهر و باطن بسیار عمیق و لطیف است. میوه ها از درخت ها و بوته ها می رویند، درخت و بوته اصل است و میوه فرع. پس هر اصل مناسبت و سنخیتی با فرع دارد:

چرخ با این اختران، نغز و خوش و زیباستی

صورتی در زیر دارد آنچه در بالا ستی^۱

هر موجودی که اصل است، بالاست و فرع او زیر اوست، مثلاً نفس ناطقه بالا و بدن زیر اوست که قائم به او، بلکه مرتبه نازله اوست. بنابراین، عالم محسوس ما مطلقاً زیر؛ و عالم ماورای آن، که عالم محسوس به منزله بدن آن است، بالاست.

امیر المومنین علی (ع) می فرمایند: *إِعْلَمُ أَنَّ لِكُلِّ ظَاهِرٍ بَاطِنًا عَلِيٌّ مِثَالُهُ، فَمَا ظَاهِرُهُ ظَابٌّ بِبَاطِنِهِ، وَ مَا حَبْتٌ ظَاهِرُهُ حَبْتٌ بِبَاطِنِهِ، وَ قَدْ قَالَ الرَّسُولُ الصَّادِقُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ وَ يُغِضُّ عَمَلَهُ، وَ يُحِبُّ الْعَمَلَ وَ يُغِضُّ بَدَنَهُ*^۲

صورت و حقیقت نفس را باید در بدن دید که نطق و چشم و گوش پرتو روح است. و آن که گفته اند بدن مرتبه نازله نفس است این معنی، مراد است. تفاوت به نقص و کمال است. بحث عمده در این مقام این است که صورت زیرین اگر با نردبان معرفت بالا رود با صورت حقیقه خود یکی می گردد چون فرع، به بالا رود با اصل خود یکتا می گردد، ناچار باید بین اصل و فرع یک نحو سنخیت از نشیب به فراز رفتن باشد. آن هم نشیبی که زمین است و فرازی که آسمان، و راه هم نردبان معرفت است. صورت زیرین را در این پله ها باید با خود همراه داشت که در هر پله، آن صورت را حکمی و نمایشی خاص است.

چون بین اصل و فرع سنخیت و مماثلت است، همان طور که صورت زیرین بالا رود، با اصل خود یکی می گردد ناچار اصل هم در همه ی فروع خود، که صور او هستند نمایشی دارد و همه آنها مظاهر اویند؛ و گرنه اصل و فرع یکدیگر نخواهند بود.

سعید قاضی پور^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محمدرضا شیرازی^{۲*}

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

فاطمه حسینی میرصفی^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: در این مقاله به بررسی همه جانبه مسجد جامع عتیق شیراز در جهت بازشناسی جلوه های حمد بر اساس الگوهای معماری ایرانی اسلامی پرداخته شده است. پرسش های پژوهش عبارتند از: الگوهای معماری ایرانی اسلامی در مسجد جامع عتیق شیراز چگونه است؟ ساختار معماری و فضایی مسجد جامع عتیق شیراز در دوره های مختلف چگونه بوده است؟ چگونه مسجد جامع عتیق شیراز می تواند جلوه گر حقیقت حمد الهی باشد؟ بازتعریف معماری مسجد جامع عتیق از طریق بررسی جلوه های حمد الهی چگونه است؟

مواد و روش ها: فرآیند استنتاج در این مقاله از سه مرحله ی بررسی مسجد جامع عتیق شیراز از نظر تاریخی، ساختاری و معماری، بررسی تناسب اصول حقیقی حمد با مراتب نازله آن و نتیجه گیری های کاربردی در نگاه جامع تشکیل شده است. براساس مبانی تحقیق، روش گردآوری اطلاعات، ترکیبی از مطالعات کتابخانه ای و مراجعه میدانی است.

یافته ها: بنابر نتایج بدست آمده، ارتباط جلوه های حمد و مسجد جامع عتیق شیراز با رویکردی معنوی تبیین شده است و عمده توجه، بر اثر معنوی است که طراحان و معماران بنا از یک سو و عبادت کنندگان از سوی دیگر بر بنا می نهند و این منزلگاه روحانی را محلی برای صعود دل های مشتاق می سازند.

نتیجه گیری: در پایان نیز در بیان اثر گذاری معماری مسجد جامع عتیق شیراز شرح مبسوطی از نزول معارف الهی بر قلب و روح انسان های بیدار دل، و از قلب و روح، بر دست و عمل و صورت آنها آورده شده است، تا معلوم گردد که آنچه در عالم معنا و درون جان هاست صورتی و اثری در عالم ماده دارد، که همان آیات و نشانه ها هستند.

کلید واژه ها: حمد، مسجد جامع عتیق شیراز، معماری ایرانی اسلامی

نماز، یعنی مسجد، نزول حمد و نماز است در ماده هستی. این مکان مقدس، به گونه ای است که مثال عالم بالاتر، یعنی حمد و نماز است. که آن هم مثال مرتبه بالاتر از خود، یعنی حمد ذاتی انسان است و البته این سلسله ادامه می یابد.

بنابراین تمام شرایط این صعود الهی، در مرتبه نزول گنجانده می شود و این مسجد، می شود هیكل نور. یعنی حمد، در منتها درجه نزول خود، در این هیكل و بافت ظهور می یابد تا مشتاقان و طالبان را دست گیرد و در صعود به اصل الهی خود برساند.

مکانی که شأن مقام انسان است عظمت انسان حکم می کند بنایی که مکان حضور اوست به همین اندازه، شریف باشد. کرامت انسان به او امکان حضور در هر مکانی را نمی دهد. از مکان های زندگی شهری و خانه های امروزی، سخنی نمی توان گفت و به اجبار باید از این مقوله گذشت. به امید روزی که ضرورت این سخن یعنی ضرورت تناسب بین انسان و شأن او با مکانی که در آن زندگی می کند، به مطالبه ای برای عموم و به خواسته ای التزام آور بدل گردد. زیرا مکانی شایسته ی انسان است که به واقع روح حمد _ که تنها دلیل آفرینش انسان است _ در آن مکان جاری باشد تا انسان به مدد آن، حامد گردد و عروج یابد.

اما مساجد به عنوان مکان های عبادی به واقع پناهگاه روح انسان است. انسانی که خسته از قفس به پهنای این اماکن، رو می کند تا رهایی را درک کند. یک نمونه از این مساجد، مسجد جامع عتیق شیراز است.

مسجد

در میان هیكل ها و اندام های درون شهری هر شهر و روستا، نیایشگاه همیشه جایگاه ویژه ای داشته و دارد و از اندام های دیگر نمایان تر و چشم گیرتر است. نیایشگاه ها معمولاً بزرگترین ساختمان آبادی بودند و به همین جهت نیاز به نشانی ویژه نداشتند اما پس از گسترش آبادی ها، نخست با افراشتن درگاه ها و نهادن ماهرخ و توق بر بلندترین جای آن و سپس با ساختن میل و برج در کنار و نزدیک آن، نظر اهالی و رهگذران را به نیایشگاه رهنمون می ساختند. و اما مسجد، که در میان دیگر نیایشگاه ها همان برتری را داشته که اسلام بر دیگر کیش ها دارد. (۴)

در این جا لازم است در باب "هیكل" نکته ای را دقت کنیم: کلمه ی هیكل در اصل خانه و معبدی بود که در آن عبادت می کردند. در بسیاری از هیكل ها پیکرهای اصنامی از کسانی که در نظر آنان اهمیت علمی و معنوی داشتند می نهادند و به پای آن اصنام گرد می آمدند و عبادت می کردند. جایی را در بالای کلیساها و معابد که محل قربانی ها بود نیز هیكل می گفتند و مذبح نیز می نامیدند و به مناسبت مذکور، هیكل را در کتب لغت به (بتخانه) تعبیر کرده اند. (۵)

در منتهی الارب فی لغه العرب گوید: هیكل بنای بلند و خانه ترسایان که در آن پیکر مریم علیها السلام باشد و در قاموس کتاب مقدس گوید: در کتاب مقدس سه هیكل مذکور است. اول هیكل سلیمان می باشد. داوود اراده داشت که هیكلی از برای خداوند بسازد اما

صورت زیرین را بالا بردن و به اصلش رساندن همان رک و ارجاع به اصل است، که در هر فن بسیار دشوار است، و تحصیل این نردبان معرفت، کار آسانی نیست. مثلاً در علم فقه، مسائلی در شئون احوال و موضوعات پیش می آید که در تطبیق آنها به اصولشان، داشتن ملکه استنباط و قوه اجتهاد لازم است و همچنین در سایر فنون و حرف و صنایع نیز اینگونه است. (۱)

از امام صادق (ع) روایت شده است: «إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُتْلَىٰ إِلَيْكُمُ الْأُصُولَ، وَ عَلَيْكُمُ أَنْ تُفْرَعُوا مَا وَضَعَهُ دَارِيمُ أَصُولَ رَأَىٰ شَمَا بَغْوِيمٍ وَ شَمَا مَوْضَعِيْدٍ فَرُوعَ رَأَىٰ مِنْهَا اسْتِخْرَاجَ كُنَيْدٍ.» (۲)

چرخ با این اختران، نغز و خوش و زیباستی

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

صورت زیرین اگر با نردبان معرفت

بر رود بالا همان با اصل خود یکتاستی^۱

بنابراین، باطن بر مثال ظاهر است. مثال، به معنی ظل شیء است که به حسب وجود، در طول آن قرار می گیرد و قائم به اوست. اگر از اصل به فرع آیم که اصطلاحاً در قوس نزولی باشد. در قوس نزول، ظاهر، سایه و مثال باطن می گردد و در این صورت امکان دارد که صورت زیرین، زمینه صعود به عالم بالا را فراهم آورد.

همچنین کلمه "آیت" و مشتقات آن در قرآن کریم، نمونه بارز و قوی مثال بودن صورت زیرین با زیرین و مطلق صور با صوره الصور (جَلَّ وَعَلَى) است. (۳)

فریدالدین عطار نیشابوری می فرماید:

مگر می کرد درویشی نگاهی

درین دریای پر در الهی

کواکب دید چون در شب افروز

که شب از نور ایشان بود چون روز

که هان ای غافلان هشیار باشید

برین درگه شبی بیدار باشید

چرا چندین سر اندر خواب دارید

که تا روز قیامت خواب دارید

رخ درویش بیدل زان نظاره

ز چشم درفشان شد پر ستاره

که یا رب بام زندانت چنین است

که گویی چون نگارستان چین است

ندانم بام آستانت چه سانست

که زندان تو باری بوستانست^۲

همان گونه که این مطلب عرش یعنی مناسبت فرع با اصل، در کلام شاعران بدین زیبایی، جلوه گر است معماران ایرانی اسلامی، از این معنای عظیم در روح خویش بهره ها برده اند و برای "مکان" قداستی عظیم قائل گشته اند. بدین گونه که مکان را محل معراج دانسته اند. فرعی که مناسبت آن با اصل باید به گونه ای باشد که اگر با نردبان معرفت طی گردد، رسیدن به اصل را ممکن گرداند.

آن حمد و ثنای ذاتی که در روح متعالی انسان جاری است، در نزول خود به عالم هستی در "حمد" و "نماز" جلوه گر است و مکان

از فضایل این مسجد همین بس که آیه ۱۰۸ سوره توبه^۲ در شأن این مسجد نازل شده و صراحتاً اعلام می کند که بنای مسجد قبا از روز اول براساس تقوی بوده است. این تقوا و ستایش پروردگار و حمد الهی از سینه ی بنا کنندگان آن، در بنای مسجد و در و دیوار آن تجلی یافته و فرع را با اصل خود چنان هماهنگ گردانده است که پیامبر (ص) در شأن مسجد قبا فرموده اند: دورکعت نماز در این مسجد برابر با یک عمره است. نیز روایت شده که پیامبر خدا روز شنبه با پای پیاده یا سواره به مسجد قبا می آمدند و در آن نماز می گذاردند و میفرمودند: دو رکعت نماز در مسجد قبا برای من بهتر از آن است که دیوار به بیت المقدس بروم. اگر می دانستند در قبا چیست، جگرهای شتران را می زدند و به سوی قبا می تاختند تا از فضیلتش بهره مند شوند.

مهمترین ویژگی مساجدی که توسط پیامبر (ص) بنا شده از جمله نکاتی که باید در امر ساخت مسجد به آن توجه شود، بحث رعایت سادگی در بنای مسجد است، در این زمینه باید گفت اگر کسی ادعا کند که از مجموع روایاتی که درباره مسجد از پیامبر اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) صادر شده، استفاده می شود که بنای شارع مقدس بر آن است که این مکان در عین شکوه معنوی و عظمت و قداست خاص خویش، از نظر ظاهری ساده و از پیرایش های مادی دور باشد، سخن گزافی نگفته است.

به علاوه این که، مساجدی که توسط پیامبر اسلام (ص) بنا شده همگی از سادگی فوق العاده برخوردار بوده و در نهایت بی پیرایگی ساخته شده است. به عنوان مثال: امام صادق (ع) ماجرای ساختن مسجد رسول خدا (ص) در مدینه را چنین نقل می فرمایند: رسول خدا (ص) دیوار مسجد خود را با پهنای یک خشت بالا برد، مدتی گذشت و شمار نمازگزاران افزون شد و گفتند: ای رسول خدا کاش می فرمودید تا مسجد را وسیع کنند. رسول خدا (ص) فرمود: بلی. بعد فرمود تا به صحن مسجد افزودند و دیوار مسجد را با یک خشت ونیم بالا بردند، بعد از مدتی، باز به شمار مسلمانان افزوده شد، گفتند ای رسول خدا کاش می فرمودید تا بر وسعت مسجد بیفزایند. رسول خدا (ص) فرمود: بلی و دستور داد تا به وسعت مسجد افزودند و...

مساجد ایرانی اسلامی

ما برای باوریم معماران و طراحان زبده ایرانی در طول سالهای بعد از اسلام، سعی بر این داشته اند که معارف الهی و عشق و شور پنهان در نهادشان را در هنر خویش، جلوه دهند. تا بناهای ساخته شده به دست یا به طراحی این اولیای الهی نقطه آغاز و زمینه ای برای صعود انسانها و نسلهای بعد باشد که به راستی این بزرگترین میراث بشریت است. (۸)

راز ماندگاری این بناهای مقدس، حمد است. حمد، ستایش پروردگار است و این حمد از قلب بر ذره ذره وجود انسان الهی جاری می گردد. این حمد راز بقای اجسام و بناهایی است که از ماده اند و بواسطه ارواحی ملکوتی، استوار گردیده اند. اینگونه بناها به شرط

خداوند وعده فرمود که پسرش سلیمان، آن هیکل را تمام خواهد نمود سلیمان در مدت هفت سال و نیم بنای مرقوم را در سال ۱۰۰۵ قبل از میلاد مسیح انجام داد. نیکو ترین بنای دنیا و فخر اورشلیم گردید. هیکل اورشلیم برکوه موریا بنا شده بود. دوم هیکل "زروبابل" مدت بیست سال در بنای آن مشغول همی بودند تا آن که در سال ۵۱۵ قبل از میلاد مسیح به اتمام رسید. سوم هیکل هیرودیس که در ۲۰ سال قبل از میلاد مسیح ابتدا نمود و بنای مرکزی را بعد از یک سال و بناهای اطراف را پس از هشت سال به انجام رسانید. "ظاهراً هیکلی که سلیمان بنا کرد، باید همین بیت المقدس معروف باشد که در کتب تواریخ به تفصیل مذکور است. (۶) غرض در نقل این سخنان در باب "هیکل" دو نکته است:

اول آگاهی به وجه تسمیه بدن انسان به هیکل است که بدن صورت روح، یعنی مرتبه نازله و ظل آن است. بدن را برای روح به منزله هیکلی دانسته اند که روح به سبب تعلقش به آن، کسب کمالات می کند و به انوار مجرده، تشبه حاصل می نماید.

دوم اینکه بناهای عظیمی که مردان الهی در کره خاکی به ساخت آن ها همت گماشته اند، هیکل هایی هستند که همچون جسم آدمی که تجلی گاه روح است، تجلی گاه وحدت و حقایق الهی است. همان گونه که روح به سبب تعلقش به بدن، کسب کمالات می کند، اینگونه بناها نیز آیت اند و مردان الهی در ساخت آنها، تعالی انسانی را در نظر داشته اند.

معارف عظیم الهی با جان آنها یکی گردیده و آن معارف در قوس نزول، هیکل های معابد و مساجد، گردیده است. که مساجدی با این وصف میتوان نقطه آغازین صعود باشد. یعنی حمد پروردگار در نهاد این اولیای الهی به حکم اینکه "پری رو تاب مستوری ندارد" در هیکل مسجد نمایان گردیده است.

اولین مسجد

اولین مسجد بنا شده در اسلام، در فرصت چند روزه اقامت پیامبر (ص) خارج از شهر مدینه، بعد از هجرت از مکه، در قریه ای به همین نام، تاسیس شد. بعد از هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه، ایشان در دوفرسخی جنوب مدینه در قریه ای به نام قبا توفقی چند روزه داشتند تا در این فاصله به شناسایی بهتر موقعیت شهر مدینه پرداخته و حضرت علی (ع) هم به ایشان پیوندند.

رسول الله (ص) در این مدت، مسجد قبا را بنیان نهادند. مطابق با روایات تاریخی در ساخت این مسجد شخص رسول الله (ص) زحمات فراوانی متحمل شدند. به حدی که اصحابی که همراه آن حضرت بودند، از ایشان تقاضا کردند که به استراحت پردازند که حضرت رسول (ص)، این خواسته را نپذیرفته و فعالانه در ساخت مسجد شرکت فرمودند. چنانچه در روایات تاریخی وارد شده، از بین اصحاب رسول الله (ص) در عدم حضور علی (ع)، مقداد بن اسود و عمار بن یاسر بیشترین نقش را در ساخت این مسجد به عهده داشتند. (۷)

۱ - جامی، هفت اورنگ، یوسف و زلیخا

۲- لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ

رِجَالٌ يَتَذَكَّرُونَ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ

صداقت و معرفت بیننده و عبادت کننده نردبانی می گردند برای رسیدن به باطن عالم و باطن انسان. البته عمل این بناها و طراحان، مطابق با عالم طبیعت است که همان اصل مهم رد و ارجاع به اصل است که در ادامه آورده می شود. این قلبهای توانا می دانند در انجام هر کار بهترین علم طبیعت است و رمز بقا در تطابق با طبیعت است پس ابتدا در سیر درک حقایق هستی، آیت بودن آنچه در عالم به حس می آید برای آنها ملکه گردیده است. بنابراین کاری خدا گونه در خلق اثر هنری در پیش گرفته اند.

بنا را آیتی از حمد الهی دانسته و بدین روش، آنچه از خاک و ماده ای بی جان، آفریده اند، حیات دارد. این حیات برای هرکس که با توجه در این مکانهای مقدس قدم می نهد، به خوبی حس می گردد. این حیات، حیات بخش می شود. البته صفت حیات بخشی به جسمی بی جان و خاکی فاقد روح، از آن جهت برای اینگونه قلب ها و دست ها ممکن گشته است که در اتصال به حقیقت عالم به منتهی درجه فقر رسیده اند و از خود فانی گشته اند و گرنه با ذره ای حس استقلال در وجود، این مهم حاصل نمی گردد. دست آنها به واقع دست حق است که تنها اوست که حیات بخش است.

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا شود که گوشه ی چشمی به ما کنند^۱

در کمتر از نیم قرن پس از ساخت مسجد در مدینه، در سرزمینی به نام پهره یا فهرج کنونی در اطراف یزد امروزی از آنچه در دسترسشان بود مسجدی به یادگار گذاشتند. این مسجد ساده با شبستانی پنج دهانه و یک ردیف ستون و جهرز بزرگ و چهار ایوانچه و دو راهرو در کنار که ایوانچه ها را به شبستان پیوند می داد و اتاقی کوچک در ورودی مسجد که احتمالاً برای پیش نماز یا نگهبان ساخته شده است. ساختمانی به دیوار مسجد متصل نیست. دیوار مسجد مدینه از سنگ لاشه و سقف آن تیرپوش بوده است. اما در مسجد فهرج که نه سنگ و نه چوب در دسترس بوده، از چینه و خشت خام استفاده شده است. لبه ی پام ها را با خشت پخته پوشش داده اند. کف شبستان را با رس پخته و ریگ روان و خاکستر پوشانیده اند. در مسجد فهرج به جای کاهگل از ژاژ یا همان خارشتر آسیاب شده برای اندود دیوارها به جهت آسیب نرساندن موریانه بهره برده اند.

اینکه در ابتدا از مسجد جامع فهرج یاد کردیم به این خاطر است که از ابتدا برای مسجد ساخته گردیده و دستکاری یا افزودنی چشمگیری در ساختمان اولیه صورت نگرفته است که چهره نخستین را دگرگون کند. (۹)

و در شهرهای دیگر ایران که مردم زودتر از فهرجیان به اسلام گرویده اند از ساختمان های نیمه ویران که بازسازی شده اند برای نماز و عبادت بهره گرفته اند. مانند مسجد یزدخواست، مسجد جامع بروجرد، مسجد نیریز که اولی آتشکده و دمی آتشگاهی نیمه ویران و سومی ایوان بوده است. البته مسجد شدن این بناها پس از ساختمان مسجد جامع فهرج بنا گردید. در بیشتر مساجد که پس از سده

نخستین هجری ساخته شده اند دهانه ی میانی رو به قبله و دهانه ی رو به روی آن ورودی مسجد و پهن تر از دهانه های دیگر است که این تهرنگ آشنا در ایران پیشینه ای بسیار کهن دارد و نمونه های آن را در سراهای باستانی سیستان می توان مشاهده نمود. (۴)

در این قسمت به طور اجمالی به بررسی تاریخ مسجد و بخشی از عناصر آن اشاره شد تا ارتباط معماری مسجد بین اسلام و ایران را پایه ریزی کنیم.

شیوه های معماری ایرانی اسلامی

از شش شیوه معماری ایران، دو شیوه پارسی و پارتی از پیش از اسلام و چهار شیوه خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی بدنبال دگرگونی های پس از آمدن اسلام در ایران پدیدار شدند. نکته مهم اصالت ایرانی این شیوه هاست. (۱۰)

غربی ها برای شیوه های پس از اسلام نام هایی را بکار می برند که هیچ یک اصالت ایرانی ندارند. برای نمونه شیوه های دوره اموی و عباسی را می توان نام برد. اما می دانیم هیچ یک از این کشورها و ملت ها یعنی ترک ها، عرب ها و... نمی توانسته اند در معماری کشوری که پیشینه معماری چند هزار ساله دارد کارساز باشند چون در آن زمان، معماری ارزشمندی نداشتند. (۴)

مسجد جامع عتیق شیراز

معین الدین جنید شیرازی، مؤلف کتاب شد الازار راجع به مسجد عتیق شیراز چنین نوشته است: "...شکی نیست که بهترین جاها برای اجابت دعا، در هر شهری، مسجد جامع آن است آنها پهلوی سبز این مسجد قدیمی ترین بنایی است که از روی اخلاص نیت و از مال حلال (بدون شبهه) بنا شده است و نیز آورده است: استاد بنای این مسجد از اولیاء الله بوده است و چون خواست که محراب مسجد را بسازد، کسی به او اعتراض کرد که قبله محراب برابر کعبه نیست. پس بنا دست او را گرفت و از میان دو انگشت خود از دور، مکه و کعبه را به وی نشان داد که محاذی محراب بود." (۱۱)

چون اتابک، پادشاه شیراز شد، دستور داد تا دو حلقه از نقره ساخته و آنها را به مکه فرستاد و از شرفاء مکه درخواست کرد که به جای آنها دو حلقه (از حلقه های درهای مکه) را برای او بفرستند که آنها را روی دو لنگه دری از مسجد آویختند که همین اسم مشهور است و شکی نیست که آن دو حلقه برکات دستهای بسیاری از اولیای خدا را درک کرده است. (۱۲)

قاضی ناصر الدین بیضاوی در تاریخ خود که آن را در اواسط قرن هفتم تألیف کرده است، در مورد چگونگی بنای مسجد جمعه (مسجد عتیق) توسط عمرولیث صفاری، چنین آورده است: در این مسجد حکایت شده که چون عمرولیث شروع به ساختن مسجد کرد، دستور داد تا چوب های مستقیم و همواره را برای آن بیابند. به او اطلاع دادند که زن صالحه در باغهای خود در سروستان، چوب ها صاف و هموار دارد که آنها را از راه حلال بدست آورده است.... پس از بکار گرفتن آنها در ستون ها، جرزها و طبقات و سقف، آن زن از دریافت مبلغ خودداری نمود و این امر موجب خشم پادشاه گردید. اما زن او را مجاب ساخت همانطور که شاه خواهان انجام

کوچکی یک دانه خردل در دل سنگی نهفته باشد، چه در آسمانها و چه در زمین، خدا آن را بیرون خواهد آورد، زیرا خداوند دقیق و آگاه است.

این در و دیوار که با نیت افراد مخلص بنا گردیده و طی ادوار متممادی معطر به اصوات حامدانه عارفان بالله بوده است، زمینه ساز صعود و معراج انسانهایی می گردد که اینگونه اماکن مقدس را برای عبادت و توجه و حضور خود برگزیده اند.

عشق و شور پنهان در اولیای الهی در پایین ترین مرتبه نزول خود صوتی از حمد و ثنای پروردگار گردیده است. صوتی که در ماده هستی باقی مانده است تا فضایی بسازد برای صعود انسان هایی طالب و مشتاق. این جلوه ای از حمد است حمدی نهفته در معماری مسجد عتیق شیراز که می تواند سکوی پرواز باشد.

معماری مسجد عتیق شیراز

مسجد جامع عتیق کهن ترین مسجد شیراز می باشد که مسجد جمعه یا آدینه نیز نامیده می شود. بنای اولیه این مسجد در سال ۲۸۱ هجری قمری ساختمانی در میان مسجد بنا کرد که آن را خدایخانه یا دارالمصحف می نامند و مکان نگهداری قرآن مجید و مکان تلاوت آن بوده است. کتیبه سنگی آن از نمونه های ارزنده هنر خطاطی به شمار می رود. این کتیبه به خط یحیی الجمالی الصوفی خطاط نامدار زمان شاه اسحاق نوشته شده و حاوی جملاتی در شأن قرآن مجید است. این مسجد اولین هسته مذهبی در شهر شیراز است که جدا از عملکرد مذهبی، نقش اجتماعی _ سیاسی نیز داشته است و از همین روی دارای ۶ درب ورودی در اضلاع مختلف می باشد که مهمترین آن ورودی ضلع شمالی است که در دوره صفویه باز سازی گردیده است. (۱۲)

خدایخانه (دارالمصحف)

وسط حیاط مسجد دارالمصحف یا خدایخانه یا کعبه ثانی یا بیت المقدس یا دوازده زمان قرار دارد _ این عمارت (خدای خانه و ایوانهای آن) دارای ۱۲ متر طول و ۱۰ متر عرض است و مساحت اتاقی که در وسط آن قرار گرفته است به ابعاد ۸ متر طول و ۶ متر عرض است که از سنگ و گچ ساخته شده است در ضلع شرقی و غربی این اتاق دو سنگ شبکه قرار دارد و در دو ضلع جنوبی و شمالی آن، هر کدام یک در ورودی است که بر روی در ضلع شمالی خاتم کاری صورت گرفته است. در چهارگوشه ی خدایخانه چهارستون مدور مغازه ماندنی وجود دارد که نمای بیرونی آن از سنگ های مکعب شکل آجرمانندی است که لابلای آن سنگ های رنگی به کار رفته و با گچ نصب شده است. (۱۹)

بر بالای این عمارت کتیبه هایی به خط ثلث شامل اشعار عربی در وصف قرآن نوشته شده است و اساس این ساختمان فقط برای کتابت قرآن بوده است زیرا در زمان های قدیم چاپخانه وجود نداشته ؛ لذا این عمارت برای کاتبان و حافظان قرآن در سال ۷۵۲ هجری قمری در زمان شاه شیخ ابوسحاق اینجو ساخته شده و تنها ۱ بار در ۱۳۱۶ خورشیدی مرمت شد و در سال های اخیر نیز دوباره مرمت شده است.

در زمان های بسیار قدیم که سفر حج توسط کاروان انجام می شد و حجاج حدود ۲ ماه در راه بودند، امکان ارسال روحانی همراه،

این امر خیر است، او نیز قصد انجام کار خیر و شریک شدن در اجر آن دارد. به این ترتیب پادشاه تن به این امر داد. نام این زن در آثار عجم (عتیقه) ذکر شده و یکی از شبستان های مسجد به نام او می باشد. (۱۳)

عبادت در این مکان مقدس از آن جهت روح انسانی را در اتصال به عالم ملکوت یاری می نماید و حمد را بر لبان انسان، جاری می گرداند، که ارواحی مقدس، ستایش پروردگار را به ساحت این بنا پیوند زده و نور خویش را در آن به یادگار نهاده اند. در طول تاریخ عده ای از بزرگان، علما و مجتهدین، عرفاء و خطباء برجسته، در مسجد عتیق منبر و محراب داشته و یا به تدریس مشغول بوده اند.

امین احمد رازی در جلد اول کتاب (هفت اقلیم) نوشته است:

"خواجه حافظ در علم کلام مهارتی تمام بکار می برده و التزام داشته که هر شب جمعه در گرد مقصوره ای که در میان مسجد شیراز (مقصود مسجد جامع عتیق یا مسجد جمعه ی شیراز است) واقع است تا صبح بگردد و با الحان خوش ختم قرآن نماید." (۱۴)
محمدحسن فسایی در کتاب فارسانه ناصری می گوید: "جد سلسله مشایخ مسجد جامع عتیق، شیخ عزالدین جزایری اسدی است که از جزایر عراق به ایران آمده تا به ترویج علوم و امامت مسجد جامع عتیق شیراز اشتغال یابد. از ساکنین محله لب آب است و از پسران او شیخ مومن - پیشنماز در زمان سلاطین زند - احترام بسیار داشت. او مدرسه امام قلی خان مشهور به مدرسه خان را که در زمان نادرشاه افشار محل استقرار لشکریان شده بود، از تصرف سپاه درآورده و منزل طلاب علوم گردانید." (۱۵)

شیخ مفید نیز از نوادگان این سلسله است. از دیگر علمایی که به وعظ در این مسجد می پرداخت می توان به شیخ روزبهان اشاره کرد. در میان شیرازیان قدیم مشهور است که این مسجد هرگز از اولیا خالی نباشد.

در و دیوار مسجد عتیق شیراز در طول سالیان متممادی، مناجات و نیایش های انسان هایی مخلص همچون شهید دستغیب (رحمة الله علیه) را در خود ثبت و ضبط کرده که کالبد بی جان سنگ و چوب را روحی از حمد بخشیده است. شهید دستغیب شب های جمعه در این مسجد دعای کمیل برگزار می کرده اند، حمد و ثنای الهی با صوت این عالم بزرگوار در در و دیوار این مسجد، ثبت و ضبط است. عبادت اولیای الهی به طور حتم بر غنای معماری اینگونه فضاهای مقدس می افزاید، حمدی، همچون حمد این انسان والامقام که منجر به شهادت ایشان در راه مسجد شد.

این مسئله از لحاظ علمی اثبات شده است که صداها از بین نمی روند و تلاشهای موقتی در جهت بازیابی صدای گذشتگان صورت گرفته است (۱۶). محققان روش هایی را برای درک و بازیابی صوت و چگونگی تجربه افراد در گذشته توسعه داده اند. صداهای باستانی از طریق سطوح مخصوصا سطوح نرم تر مثل سفال و بوم نقاشی و... ضبط می شوند (۱۷). اما چوب صوت را با سطح کیفی پایین تری از ارتعاشات ثبت می کند (۱۸).

خداوند در آیه ۱۶ سوره لقمان می فرماید: يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ؛ ای پسر من، بدان که حتی اگر چیزی به

خدایخانه و حوادثی که به واسطه آن رقم خورده است و دیوار ندبه که روح حمد و ندبه ی بسیاری را در خود به یادگار دارد در کنار دیگر خصوصیات دل انگیز مسجد از شبستان ها، حیاط، دالان ها، قوس ها و رنگ ها همگی ما را به این حقیقت می رساند که این بنا را روحی از حمد و نیایش حیات بخشیده است؛ روحی که می تواند انسان های مشتاق را حیات بخش باشد.

در پایان به محققان و اندیشمندان اسلامی حوزه های مختلف خصوصا متخصصان معماری پیشنهاد می گردد بررسی های دقیقتری در رابطه با ارتباط عمیق مکان های طراحی شده جهت زندگی مادی با معنویت و اثرات متقابلی که هر دو بر هم دارند داشته باشند. نگرش های جدید بین رشته ای، در آینده می تواند نوید بخش دریچه گسترده ای به روی حقیقت جویان عالم باشد. نگاه جامع به انسان و معارف اسلامی انتظار ما از دین و قرآن را از سطح حداقلی به کمال مطلوب که همان سعادت دنیا و آخرت می باشد رهنمون خواهد کرد.

References

1. Tarihi, Fakhreddin bin Muhammad (1362). Bahrain Assembly, Tehran: Al-Mortazawi School.
2. Uggari, Mohammad bin Ahed bin Idris (1987). Mustafat al-Saraer, Madrasa al-Imam al-Mahdi.
3. Hasanzadeh Amoli, Hassan (2015). Courses in Self-Esteem, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
4. Pirnia, Mohammad Karim (1380). Iranian architectural stylistics. Tehran: Soroush Danesh.
5. Hawkes, Mister (2014). Dictionary of the Bible, mythology.
6. Safipuri, Abdul Karim bin Abdul Rahim (1389). Mantehi al-Arab fi Lagheh al-Arab, University of Tehran Printing and Publishing Institute.
7. Memarian, Gholamhossein (1390). Introduction to Iranian Islamic Architecture, Soroush Danesh Publications.
8. Kayani, Mohammad Youssef (2014). Architecture of Iran during the Islamic period, the organization of Semit.
9. Nemati, Mohammad; Ghazipour, Saeed; and Emami, Seidahad (2016). Old Grand Mosque of Shiraz. Arena.
10. Safa, Zabihullah (1400). The book of the history of Iranian literature, Ferdous.

موجود نبود و به دلیل پیچیدگی مراحل حج از مسجد عتیق به عنوان مسجد الحرام و خدایخانه به عنوان کعبه استفاده میشد تا آموزش کامل و عملی به حجاج داده شود. هر ساله تعداد زیادی از حاجیان خانه خدا، دور این مکان مقدس طواف کرده و حمد خدای را مشق کرده اند.

حاجیان دور خدایخانه گردیده و در خیالشان طواف خانه کعبه تداعی شده "لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لِاشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَدَّ... " را زمزمه می کرده اند. نجوای عاشقانه این حامدان در سنگ و چوب خدایخانه باقی است. معنویتی که سفره ای پر برکت و سخاوتی روحانی گشته برای طالبان حمد الهی و مشتاقان از خوان گسترده حمد آنها، روزی می گیرند.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه که از این پژوهش بدست آمد، حمد و ثنای ذاتی که در روح متعالی انسان جاری است، در نزول خود به عالم هستی در "حمد" و "نماز" جلوه گر است و مکان نماز، یعنی مسجد، نزول حمد و نماز است در ماده هستی. این مکان مقدس، به گونه ای است که مثال عالم بالاتر، یعنی حمد و نماز است. بنابراین تمام شرایط این صعود الهی، در مرتبه نزول گنجانده می شود و این مسجد، می شود هیكل نور. یعنی حمد، در انتها درجه نزول خود، در این هیكل و بافت ظهور می یابد تا مشتاقان و طالبان را دست گیرد و در صعود به اصل الهی خود برساند.

در این پژوهش زمینه بررسی و تفکری عمیق بر موضوعی فراهم آمد که تاکنون چندان مورد توجه محققان قرار نگرفته و تا حدودی مورد غفلت واقع گردیده است؛ جلوه های حمد و ستایش پروردگار بر آثار معماری ایرانی اسلامی و به طور خاص بر معماری مسجد عتیق شیراز عاملی گردید تا این نگرش عمیق در تمام ابنیه تاریخی جهان اسلام شکل بگیرد.

آنچه یک اثر تاریخی و هنری را ماندگار می کند روح حاکم بر آن است که فرع را در اتصال دائمی با اصلی پایدار، باقی و مانا می گرداند. شواهد بسیاری دال بر این حقیقت است، که بنای مسجد عتیق شیراز، از همان ابتدا در حقیقت جلوه ای از حمد معماران و سازندگان این مکان مقدس بوده است، که در متن مقاله به طور مبسوط به آن پرداخته شد. آن انسانهای الهی، حمد را در صورت بنا و معماری، نزول داده اند، تا راهگشا و رهنمای عبادت کنندگان این بنا باشد و نیز فرهیختگان و اولیای بسیاری، در این مسجد در اتصال با منبع هستی، روح حمد و نیایش خود را در این اثر تاریخی باقی نهادند و بر غنای این خاک افزودند. همچنین علاوه بر همه جلوه هایی که برشمرده شد از جمله: هنر، معماری، نیت و مصالح اولیه بنا، حافظه صوتی در و دیوارهای مسجد، اثرات ماورایی حضور عارفان بزرگ و ... می توان به وجود ارکان ویژه ای مثل خدایخانه (کتابخانه) اشاره نمود. ورود به خدایخانه کنایه از آن دارد که رسیدن به خدا جز با معرفت، شناخت و آگاهی میسر نیست، ورود به خدایخانه که همانند کعبه بنا شده است و واقع نمودن کتابخانه در آن نیز تداعی کننده همین موضوع است.

11. Junaid Shirazi, Junaid Ibn Mahmoud (1328). *Shed al-Azar fi Hatt al-Awzar an zovar al-mazar (Hazar Mazar)*, Tehran: Majlis Press.
12. Wilber, Donald N. (2008). *Old Shiraz Mosque*, Babak Afra. Academy of Art.
13. Beyzawi, Ghazi Naseruddin (2012). *Nizam al-Tavarikh*, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation.
14. Razi, Amin Ahmad (2008). *Haft Klimat Tazkira*, Soroush.
15. Hosseini Fasai, Hassan (2012). *Farsnameh Naseri*, International Publishing Company (affiliated with Islamic Propaganda Organization).
16. Woodbridge, R. G. (1969). Acoustic recordings from antiquity. *Proceedings of the IEEE*, 57(8), 1465-1466.
17. Kleiner, M., & Astrom, P. (1993). The Brittle Sound of Ceramics - Can Vases Speak. *Archeology and Natural Science*, 1, 66-72.
18. Primeau, K. E., & Witt, D. E. (2018). Soundscapes in the past: Investigating sound at the landscape level. *Journal of Archaeological Science: Reports*, 19, 875-885.
19. Behrouzi, Alinaqi (1340). *Jame Atiq Shiraz or the oldest mosque in Fars*, Tehran: Pars Knowledge Center.